

فرهاد کاکه رش

(عضو هیئت علمی و معاون پژوهشی - واحد مهاباد)

بررسی اجمالی تأثیر قرآن و حدیث در مرزبان‌نامه

چکیده :

می‌دانیم که مرزبان‌نامه یکی از آثار مهم ادب فارسی در قرن ششم و اوایل قرن هفتم، در نوع نثر فنی است و از آنجا که یکی از خصیصه‌های مهم نثر این دوره، استفاده از آیات و احادیث است، در این مقاله به نحوه‌ی کاربرد و چگونگی تجلی آیات و احادیث در کتاب مذکور پرداخته‌ایم و به نمونه‌هایی از تلمیحات قرآنی به عنوان برجسته‌ترین شیوه‌های بهره‌گیری از قرآن و حدیث اشاره شده است. گفتنی است سعی بر آن بوده در این راه با دیدی نقادانه و شیوه‌ای نوین کار شود.

کلمات کلیدی :

تجلی آیات و احادیث، تلمیح، مرزبان‌نامه.

۱- اهمیت تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی و بررسی اجمالی آن در قرن ششم

قرآن، قانون زندگی انسانیت و کتاب خواندنی و سند حقانیت آیین اسلام است و پیوسته چون خورشید تابان بر تارک زمان درخشان و بر همه‌ی مردمان در طول دوران ، بر تو افکنده است. آن‌سان که بزرگ‌ترین هدف قرآن و مریان الهی، انسان‌سازی است، بر عاطفه‌ها و احساسات و بینش انسان‌ها، تأثیرگذار است تا جایی که وقتی گوته‌ی آلمانی از قرآن سخن به میان می‌آورد، چنین می‌گوید: «این کتاب تأثیر خود را برای همیشه حفظ خواهد کرد.» (به نقل رادمنش، ۹۵: ۱۳۶۸)

در قرن ششم، به سبب رواج علوم دینی و غلبه روحیه‌ی مذهبی، اشارات و تلمیحات قرآنی و دینی در آثار شاعران و نویسندگان فراوان است. هیچ شاعری نیست که از الفاظ و مفاهیم قرآن کریم و قصص آن و احادیث نبوی در شعر خود به وفور استفاده نکرده باشد. (غلامرضایی، ۱۶۸: ۱۳۷۷) و «از مهم‌ترین مختصات فکری قرن ششم، اشاره به قرآن و حدیث و ضرب‌المثل عربی است.» (شمیسا، ۱۷۷: ۱۳۸۱)

در قرن ششم ادبیات به طرف تزیین و آرایه‌بندی و هنرنمایی‌های شاعرانه پیش رفت. گونه‌های بهره‌گیری از قرآن و حدیث بسیار عادی و طبیعی شد حتی در نثر تحول بوجود آمد. برای مثال (در نثر)، هنگامی که "وصاف‌الحضرة" از کلیله و دمنه سخن می‌گوید این‌گونه توصیف می‌کند: «چنین ملمعی مشحون به مستدللات از آیات و اخبار و ایات عربی بدین طرز بساخت» (به نقل شمیسا، ۱۳۸۱)

در قرن ششم، قبل از اینکه مرزبان نامه به منصه‌ی ظهور برسد، شرایط سخت و دشواری برای رسیدن به درجت بلند شاعری در نظر گرفته می‌شد تا در میان امواج شاعران و نویسندگان، کسانی انگشت‌شمار ، سرافراز از امتحان بیرون آیند. در همین قرن، نظامی عروضی سمرقندی ، نکات مهمی در این رابطه برشمرده است که دید و فادانه و رأی

نقادانه‌ی آن فرزانه‌ی جاوید را در آن شرایط زمانی نشان می‌دهد. در بخشی از مقاله دیری می‌نویسد: «اما سخن دبیر بدین درجه نرسد تا از هر علم بهره‌ای ندارد و از هر استاد نکته‌ای یاد نگیرد و از هر حکیم لطیفه‌ای نشنود و از هر ادیب طرفه‌ای اقتباس نکند. پس عادت باید کرد به خواندن کلام رب‌العزه و اخبار مصطفی و آثار صحابه و امثال عرب و کلمات عجم و مطالعه‌ی کتب سلف و مناظره صحف خلف» (نظامی عروضی، ۴: ۱۳۸۲) در ادامه‌ی بحث از نمونه آثار مهم در تشحیذ خاطر و تصقیل دماغ و افروختن طبع را ضرورت دبیران و نویسندگان می‌داند و نکته‌ی قابل توجه و ارزنده آن است در آخر کلام از اینکه نویسنده‌ای با کدام شرایط بسیار معروف می‌شود اظهار می‌دارد: «... و دبیر معروف شود، اما چون قرآن داند به یک آیتی از عهده‌ی ولایتی بیرون آید، چنان که اسکافی» (مأخذ همان) نظامی عروضی در ادامه‌ی بحث، حکایت‌های شیرین و دلپسندی از نردبان قرآن‌دانی برخی بازگو می‌کند که در خور توجه است.

دکتر خطیبی در این رابطه معتقد است:

«اقتباس از آیات قرآنی و احادیث نبوی از مهمترین مختصات نثر این دوره به شمار می‌آید. این شیوه به تقلید از نثر عربی در نثر فارسی راه یافته و به صورت رکنی فنی و زینتی، در بیشتر اقسام نثر بکار رفته است و در طی این دو قرن، در مسیر تحول و تکامل به نهایت تکلف و تصنع رسیده است.» (فن نثر، ص ۱۹۷).

در ادامه‌ی بحث در قرن ششم و هفتم از سه جنبه مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و به «کیفیت ارتباط لفظی و معنوی آیات و احادیث با نثر و تنوع و اقسام آنها» می‌پردازد و معتقد است که «[در این دو قرن] برخی از نویسندگان، به حدی در این زمینه به مبالغه و افراط گرائیدند که گاه معانی و عبارات فارسی، تنها برای پیوستن ترکیبات عربی به رشته‌ی کلام، ابداع می‌شد...» (همان منبع، ص ۲۰۰)

۲- مرزبان نامه و تجلی قرآن و حدیث در آن

یکی از پیشگامان ادبیات ایران و استونه‌های نثر فارسی، سعدالدین وراوینی مؤلف مرزبان نامه در اوایل قرن هفتم است.

درست است که تحقیق در نثر در مقابل نظم، اندک بوده است، یکی از علت‌هایش دلنشین بودن و خوش‌آهنگ بودن نظم است. به نظر می‌رسد مرزبان‌نامه و آثاری از این دست، این خلاء نثر را هم پر کرده‌اند و خواسته‌اند که نثر را به شعر نزدیک کنند و اهداف خود را در این قالب ریختند و همین مورد یکی از علل ماندگاری این گونه آثار به شمار می‌رود.

مرزبان‌نامه یکی از آن آثاری است که شایان نازش و افتخار است. بازنویسی متون ساده به شیوه‌ی فنی در قرن ششم، قلم توانای سعدالدین وراوینی را هم به تکاپو و جنبش درآورد که پرواز زمان تیز پر است؛ دیگر زمان آن رسیده است چون مقتدا و پیشگاهش، نصرالله منشی، جابک‌وار در میانه‌ی سالهای ۶۲۲-۶۱۷ به این کارسترگ دست یازد و الحق در چرب‌زبانی و سخندانی، گام‌های مؤثری برداشت به گونه‌ای که جزو ماندگارترین آثار فرهنگی کشوری صاحب مفاخر گردد.

اگر نصرالله منشی در اثر پراچ خود می‌نویسد: «و بدین لباس زیبا که بنده در آن پوشانید جمالی گرفت که عالمیان را به خود مفتون گرداند و در مدت اندک اقالیم روی زمین بگیرد.» (به نقل از سبک‌شناسی نثر، ص ۱۳۰).

سعدالدین وراوینی هم در مقدمه کتاب ضمن برشمردن ارزش و اهمیت بازنویسی و تهذیب و این شیوه‌ی نگارش، به فضایل پیشگامان این فن نثر و آثار مرتبط آنها می‌پردازد:

«... و بعد ما که سخنان اهل عصر و گذشتگان قریب‌العهد مطالعه کردم ... بعضی از آن کتب اسما رو حکایت یافتم بسیافت مهذب و عبارت مستعذب آراسته و الفاظ تازی در پارسی به حسن ترکیب و توصیف استعمال کرده ...» (مرزبان‌نامه، ص ۱۳۰) و از

کتاب‌های فنی و نویسندگان آن‌ها به عبارت‌های ادبی و اغراق‌آمیز نام می‌برد و روش خود را تکمیل‌کننده‌ی پیشروان می‌داند اما در خاتمه‌ی کتاب به مرحله‌ای می‌رسد که سیاق صفات اثرش را حتی بالاتر از مقتدایش، نصرالله منشی، می‌داند از آن نظر که دیگران از یک روش در نگارش و از یک موضوع خاص بحث کرده‌اند ولی سعدالدین هم تنوع نثر دارد و هم تنوع موضوع چنان که دیده می‌شود روش و اثر خود را چه از نظر لفظ و چه از نظر معنی بر دیگران حتی کليلة و دمنه ترجیح می‌دهد اگرچه بسیاری از پژوهشگران ادبیات از این اظهار نظر وراوینی به ویژه نسبت به کليلة و دمنه ایراد گرفته‌اند اما به نظر می‌رسد سعدالدین چندان گزافه‌گویی نکرده است چون اگر تقلید باشد یا ترجمان روش نصرالله و پیروانش؛ باز از ارزش هنرنمایی و سخن‌آرایی وراوینی نمی‌کاهد چرا که در روش‌های نگارش، قدر مسلم این است که ترجمه از تصنیف دشوارتر است (اگر روش تقلیدی مرزبان‌نامه را بپذیریم) و البته این موضوع خود بحث جداگانه‌ای می‌طلبد که به موقعیتی دیگر و زمانی با فراغت بیشتر موکول می‌کنیم. در هر حال برای نمونه، شیوه‌های بهره‌برداری از قرآن و حدیث در مرزبان‌نامه خاص خود اوست و اگر ابتکاری در آن نباشد دست کم در این راه از قدما پیشی گرفته است.

شاید یکی از دلایلی که مورخ پرکار ادبیات، مرحوم دکتر ذبیح‌الله صفا، همین موضوع باشد که با قاطعیت اظهار می‌دارد:

«مرزبان‌نامه‌ی وراوینی از جمله‌ی شاهکارهای بلامنازع فارسی در نثر مصنوع و مزین است و می‌توان آن را سرآمد همه‌ی آنها تا اوایل قرن هفتم دانست. (تاریخ ادبیات صفا، ج ۲، ص ۱۰۰۶).

دکتر خلیل خطیب رهبر در مقدمه‌ی کوتاهی که بر شرح و توضیح مشکلات مرزبان‌نامه نوشته است اشاره‌ای کوتاه به اقتباس‌هایی از قرآن و حدیث می‌کند و آن را از سه طریق عنوان کرده است که درخور توجه است:

الف) گاهی آیه به نوعی در نثر تضمین می‌شود که گویی دنباله‌ی کلام است:
 «اگر می‌خواهی که گفته‌ی من در نصاب قبول قرار گیرد، قدتین الرشد من العی و اگر
 نمی‌خواهی که بر حسب آن کار کنی لا اکراه فی الدین».

ب) گاه آیه برای تأکید کلام آورده می‌شود:
 لوایم نصح ملایم طبع نسانی نیست، لقد ابلغتکم رساله ربی و نصحت لکم و لکن لاتحیون
 الناصحین.

ج) گاه آیه یا حدیث را مضاف‌الیه یا مفعول یا مسندالیه جمله قرار می‌دهد:
 نزدیک آمد که سر حدیث سیلغ ملک امتی مازوی لی منها در حق او آشکار
 شدی» (مرزبان‌نامه، صص ۵ و ۶).

دکتر حسین خطیبی در اثر پرفن خویش «نثر فنی در ادب پارسی» توضیحاتی در این رابطه
 دارد. از جمله می‌نویسد: یکی از فنی‌ترین مختصات نثر مرزبان‌نامه، اقتباس و استعمال آیات
 قرآنی و احادیث نبوی، در جهت تلفیق معانی و تزئین عبارات و آرایش کلام است ...
 نثرنویسان این دوره در اقسام مختلف نثر، به خصوص نثرهای نقلی و وصفی، به تضمین و
 اقتباس، شاید بتوان گفت بیش از سجع و دیگر صنایع لفظی توجه داشته‌اند ... در صنعت
 اقتباس از جنبه‌های لفظی، نویسنده هیچ‌گاه بین عبارات و ترکیبات عربی و فارسی تفاوتی
 نمی‌نهند و این دو را چنان به هم می‌پیوندند که رشته و عبارت از فارسی و عربی و از عربی
 به فارسی منتقل می‌شود؛ بی‌آنکه هیچ‌گونه قطع و انحرافی در توالی و تواتر معانی به نظر
 رسد و این دو را از یکدیگر متمایز و مجزا نشان دهد ...» (فن نثر، ص ۵۲۳).

دکتر خطیبی در ادامه‌ی بحث شیوه‌ای از چگونگی استعمال قرآن حدیث نام می‌برد و آن
 را «تتمیم» می‌نامد یعنی آوردن آیه یا حدیث برای تمام کردن معنی عبارت، بی‌هیچ‌گونه
 قطع و وصل لفظی.

ناگفته پیداست «تتمیم» (همان منبع، ص ۲۲۵). یعنی مورد دوم، گونه‌ای از نوع اول و اقتباس است از جنبه‌های لفظی.

برای جلوگیری از اطاله کلام، وارد اصل بحث می‌شویم و در حد توان خویش، نه حد یک تحقیق شایسته به نمونه‌های دیگر کاربرد قرآن و حدیث در این کتاب پراچ ادب فارسی، مرزبان‌نامه، می‌پردازیم:

۴- گونه‌هایی از کاربرد و بهره‌برداری قرآن و حدیث در مرزبان‌نامه:

۴-۱) تلمیح؛ (چنان‌که اشاره شد) در تلمیح گوینده یا نویسنده برای اثبات یا تأکید مدعای خویش، بسیار ظریف به آیه‌ای یا مثلی، حدیث یا روایتی اشاره می‌کند به گونه‌ای که گاهی اگر بر نوع موضوع تلمیحی آگاه نباشیم ظرافت فهم مطلب مشکل است. این خصیصه به زیبایی در مرزبان‌نامه استعمال شده است و نشان آگاهی مؤلف و گستره‌ی ذهنی و محفوظات او بر دایره‌ی تلمیحات و اشارات و روایت‌های قرآنی و اسلامی است. اینک چند نمونه:

در باب نهم «در عقاب و آزاد چهره و ایرا»، وقتی که از زبان ملک‌زاده به توصیف کوهی در حوالی آذربایجان (آذربایجان) می‌پردازد، نیروی خیال و علو فصاحت و تیغ بلاغت را آن‌چنان ماهرانه به بلندای سخندانی می‌رساند تا جایی که در وصف موضوع به بهشت ادریس اشاره می‌کند؛ می‌گوید: ...

«ناک دهان صبا و شمال به بوی فوجات هوایش نافه از اهریر شکافته، خضر از چشمه حیوان چاشنی زلال انهارش گرفته، ادریس از سایه طویی بظلال اشجارش آرزومند شده». (مرزبان‌نامه، ص ۶۵۲) تلمیح زیبایی دارد به بهشتی بودن حضرت ادریس که در قرآن آیات ۵۷ و ۵۸ سوره‌ی مریم می‌فرماید: «واذکر فی الکتاب ادریس انه کان صدیقاً نبیاً و رفعناه مکانا علیا. یاد کن در کتاب ادریس را، همانا او راست‌گوی نبی بود و بالا بردیم او را به جایی

در تفسیر آن گفته می‌شود «هنگامی که ملک‌الموت بهشت و دوزخ را به او نشان داد، به روایتی ادریس پس از خروج از به بهانه‌ی اینکه نعلین خود را آنجا گذاشته است به بهشت مراجعت کرد و دیگر بازنگشت.

خاقانی می‌گوید:

ادریس دین حدیقه فردوس خانه ساخت رضوان ملک بر در بستان نو نشست
(فرهنگ تلمیحات، ص ۹۸)

در باب ششم در «داستان درخت مردم‌پرست» از زبان زروی، در توصیف «درختی» توسن سرکش تصویرسازی‌هایش به جایی می‌رسد که در حال مقایسه با «نخله‌ی مریم» و «شجره‌ی آدم» برمی‌آید و بسیار ظریف به این دو موضوع مهم قرآنی و اسلامی - که دامنه‌ی گستره‌ی آن‌ها در تلمیحات و اشارات ادبیات فارسی فراوان است - اشاره می‌کند تلمیحات جذابی در مضمون‌سازی‌هایش آفریده است: «نه رنگ رزان خزان‌ش پس از رنگ معصفری گونه‌ی مزعفری داده، طبیعتش در اظهار خوارق عادت صفت نخله اعادت کرده چون شجره آدم مزله قدم فرزندان او شده.» (مرزبان‌نامه، ص ۳۹۹).

تلمیحاتی لطیف دارد به موضوعات نخله‌ی مریم؛ در سوره‌ی مریم آیه‌ی ۲۶ به این موضوع اشاره دارد می‌فرماید: و هزی الیک بجذع النخله ... تنه درخت خرما را به طرف خود بکش که بر تو خرما‌ی تازه چیده می‌ریزند. «... سرانجام درد زادن مریم فرا رسی. مریم از طعن مردم از شهر بیرون گریخت و ب درخت خرما‌ی خشکی پناه برد. خرما به فرمان خداوند سبز و بارور شد و سر فرود آورد و مریم گرسنه از آن میوه خورد.

خاقانی می‌گوید:

سخن بر بکر طبع من گواه است چو بر اعجاز مریم نخل خرما
(فرهنگ تلمیحات، ص ۹۸)

شجره‌ی آدم: در سوره بقره آیه ۳۳ خداوند در داستان آدم و حوا و شیطان، به آدم و حوا سفارش می‌کند: لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمین به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود.

گفته می‌شود «شیطان به یاری ماری به بهشت راه یافت و آدم و حوا را فریفت تا گندم یعنی میوه ممنوع را که خداوند، آدم و حوا را از خوردن آن برحذر داشته بود بخورند ... حافظ می‌گوید:

در عیش نقد کوش که چون آبخور نماند
آدم بهشت روضه دارالسلام را
(همان منبع، ص ۶۷)

یوسف و زلیخا و زندانی بودنش، خشکسالی و عزیز مصر و ...

در قسمت‌هایی از خاتمه کتاب: «... و این بضاعت مزجات در مصر جامع تبریز با آن ذخایر سعادت مضاف شود و فریاد زنان اوف لنا الکیل را از خشک‌سال کرم بصاع اصطناع نصاب هر نصیبی کامل گرداند بلکه این پیوند دل و فرزند جان که یوسف‌وار بند عوایق روزگار خود بود، از زندان بیت‌الاحزان خاطر بیرون می‌آید و مشتاقان روی و منتظران سر کوی وصالش نشسته و هزار دست قلم تیز کرده تا بعد ما که در حیرت مشاهده رخسارش دست و ترنج بر هم بریده باشند، قصه جمال و سرگذشت احوال او نویسند ...» (مرزبان‌نامه، ص ۷۵۰).

موسی - ید بیضا:

در باب ششم «... در امتنان این خیر و احسان ترا با فضیلت ید علیا معجزه ید بیضا به معالجه این داء معضل که بمن رسیده است، پیدا گردد ...» (همان منبع، ص ۳۸۰).
(وَادْخُلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سَوَاءٍ)

عصای موسی و سحر فرعون:

در باب دوم در «داستان شهریار بابل با شهر یارزاده» از زبان مهمتر پریان می‌گوید: «... شعبانی که به جای افسوس و دم از سحره فرعون عصای موسی خورد ...» تلمیح است به قَالَ هِيَ عَصَايَ اَتَوَكَّؤْا عَلَیْهَا وَ اَهْسُ بِهَا عَلٰی غَنَمِیْ وَلِیْ فِیْهَا مَآرِبٌ اٰخِرٰی (۱۸) قَالَ اَلْقِهَا یَمُوسٰی (۱۹) فَالْقَنَاطَا فَاِذَا هِیَ حِیْثَ تَسْعٰی (۲۰) (سوره طه آیات ۱۸ و ۱۹ و ۲۰)

حضرت ابراهیم:

حضرت ابراهیم و اطمینان قلبی در احیای مردگان در باب ششم «داستان موش و گربه» از زبان گربه در پاسخ سخنان محبت‌آمیز دشمن دیرینه‌اش می‌گوید: اکنون اگرچه بر حسن طریقت تو واثقم از درون بی‌غایله تو آگاه، اما رکون نفس و سکون دل را می‌خواهم که به ایمان غلاظ ایمان مرا در حسن العهد خویش تازه گردانی و در این التماس در من شکمی نیفکنی که درخواست خلیل‌الله با منقبت نبوت و کمال خلعت آنجا که از استاد قدر صنعت دستکاری احیاء مره بعد اخیری می‌خواهد تا معاینه در آینه حس او جلوه دهد ...» (همان منبع، ص ۳۸۰)

اینکه ابراهیم ملقب به خلیل‌الله است، به موجب روایات و اخبار اسلامی ابراهیم از پیامبران برگزیده‌ی خداست و خداوند او را خلیل یعنی دوست خویش نامیده است همچنان‌که حضرت محمد را خاتم و حبیب و موسی را کلیم‌الله و عیسی را روح‌الله می‌گویند. خاقانی می‌گوید:

«حق کرده خلیل را اشارت تا کرده بنا بسان کعبه
و زدگر سو چون خلیل‌الله دروگر زاده‌ام بود خواهرگیر عیسی مادر ترسای من»
(به نقل فرهنگ تلمیحات، ص ۸ و ۲۸)

اما بحث اطمینان قلبی ابراهیم در زنده‌شدن مردگان، در سوره‌ی بقره به تفصیل آمده است: رب ارنی کیف تحیی الموتی ... لیطمئن قلبی» (سوره بقره آیه ۲۶۰)

ابراهیم از خداوند می‌خواهد که زنده‌کردن مردگان را به او نشان دهد خداوند دستور می‌دهد چهار مرغ را سر ببرد و جسم آن‌ها را پاره پاره کند و هر کدام را بر سر کوهی قرار دهد بعد آن‌ها را فراخواند. مرغان همه زنده گشتند و به سوی ابراهیم آمدند به نص صریح قرآن چنین اتفاقی رخ داده است و ابراهیم آرامش قلبی خود را اظهار می‌دارد: قال فخذ اربعه ...»

مولانا در غزلیات پرشورش می‌فرماید:

«مرغان ابراهیم بین با پاره پاره گشتگی
اجزای هر تن سوی سر برداشته طیاره‌یی

قاآنی می‌گوید:

گر خلیل از قدرت حق واقف است
مرغکان را از که برد سر زتن

خاقانی می‌گوید:

کمان گروهه گبران ندارد آن مهره
که چار مرغ خلیل اندر آورد زهوا

(همان منبع، ص ۸۲)

(۵) نتیجه‌گیری:

در آثار ادبی، کاربردهای قرآن و حدیث بسیار متنوع است و برداشت‌های متفاوت از آیات و احادیث دیده می‌شود. گاهی هدف نویسنده القای معانی و بیان اندرز و حکم و پیام اخلاقی و اخبار و آگاهی است و به هر طریقی که بخواهد از آیات و احادیث بهره می‌جوید. گاهی گویندگان در آثار خود برای آرایه‌بندی و تزئین مطلب و هنرنمایی از به‌کاربردن قرآن و حدیث استفاده می‌کند و گاهی تفکر و مبنای فکری و اعتقادی نویسنده، وی را واردار میکند بدون نام و کلام حق، زبان به سخن نگشاید و بی‌اجازه‌ی دستورات حق، مجوز صادر نکند.

با توجه به تنوع موضوعات و عبارات (هم لفظ و هم معنی) و تصویرسازی‌ها و خیال‌پردازی‌های سعدالدینی و راوینی، به نظر می‌رسد به طرق گوناگون از آیات و احادیث در کتاب خود بهره برده است و در این میان بهره‌گیری به شیوه‌ی تلمیح از همه برجسته‌تر است و به جرات می‌توان گفت: اگر قرآن و حدیث به پیکره‌ی الفاظ و اثر سعدالدین و راوینی آرایه‌بندی نمی‌شد، هرگز امل و آرزوهای نویسندگی سعدالدین به عمل نمی‌پیوست.

منابع و مأخذ:

- ۱- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۴)، تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، تهران: اساطیر.
- ۲- خطیبی، حسین (۱۳۷۵)، فن نثر در ادب پارسی، تهران: زوار.
- ۳- راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۰)، پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۴- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)، سبک‌شناسی نثر، تهران: میترا.
- ۵- (۱۳۷۳)، فرهنگ تلمیحات، تهران: فردوس.
- ۶- صفاء، ذبیح‌الله (۱۳۶۹)، تاریخ ادبیات در ایران، ج دوم، تهران: فردوسی.
- ۷- مولوی، جلال‌الدین (۱۳۷۹)، شرح جامع مثنوی به کوشش کریم زمانی، تهران: اطلاعات.
- ۸- نظامی عروضی سمرقندی (۱۳۸۲)، چهار مقاله به کوشش دکتر رضا انزابی‌نژاد و دکتر سعید قره‌بیگلو، تهران: جامی.
- ۹- نظامی گنجوی (۱۳۸۱)، مخزن‌الاسرار: گزارش و گزینش دکتر رضا انزابی‌نژاد، تهران: جامی.
- ۱۰- وراوینی، سعدالدین (۱۳۷۵)، مرزبان‌نامه، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران: صفی‌علیشاه.
- ۱۱- همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۱)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: نشر هما.